

بررسی مقایسه‌ای مساجد عربی-اسلامی با مساجد ایرانی-اسلامی مطالعه موردی: مسجد کبیر خارطوم و مسجد عتیق شیراز*

علی احمدیان کیسی^۱، ناهیده گندمی کال^۲ * (نویسنده مسئول)، حمید آیتی^۳، کامبیز ملایی^۴، محمدرضا بزرگی^۵

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

^۳ عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری، جهاددانشگاهی

^۴ مدیر مرکز خدمات تخصصی ارزیابی اثرات اجتماعی و فرهنگی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری، جهاددانشگاهی

^۵ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳

چکیده

ابنیه و اماکن مذهبی به‌ویژه مساجد شهرهای اسلامی مانند خارطوم و شیراز، تشابه‌ها و تفاوت‌هایی با همدیگر دارند. بررسی گذشته تاریخی این دو شهر، نشان می‌دهد که در چارچوب مکانی و زمانی (از سده نوزدهم به این سو)، با توجه به سلطه استعمار مسجد کبیر از ویژگی‌های سنتی‌اش دچار گسست شده است. در قاره آفریقا به‌ویژه در کشور سودان، به همراه تسلط استعمار و امپریالیسم فرانسوی، روسی و انگلیسی، دگرگون‌سازی‌های ژرف و مؤثری در فرهنگ شهرسازی و پیکر بومی ابنیه و اماکن عربی-اسلامی روی داده است. اما مساجد ایرانی-اسلامی، به ویژه مسجد عتیق، چنین گذشته‌ای را تجربه نکرده‌اند. علاوه بر این تفاوت‌ها که نشان‌دهنده بعد تشخیص شهری است، با تأکید بر بعد فضای عبادی، تشابه‌های بین این دو مسجد، آشکار می‌شود. هدف از این نوشتار بررسی و شناخت شاخص‌های اقتراق و تشابه مساجد کبیر خارطوم و عتیق شیراز است. روش تحقیق در این مقاله به شیوه استدلال منطقی (مفهوم به مصداق) است. بدین منظور در ابتدا به مبانی نظری مسجد در دو بعد عبادی و تشخیص شهری پرداخته، سپس ویژگی‌های هر کدام از مساجد جامع دو شهر خارطوم و شیراز بررسی و در پایان وجوه اقتراقی و تشابه آنها مشخص شده است. نتایج به‌دست آمده بیانگر وجود تشابه بسیار بالایی از لحاظ شاخص‌های بعد عبادی مانند وحدت، اتصال صفوف، عدالت در ارزش‌گذاری فضاها است. نتایج و نیز مبانی نظری مبین این نکته مهم هستند که شاخص‌های تعریف شده می‌توانند مبنایی برای وجه اشتراک مساجد اسلامی در دو بعد ایرانی و عربی باشند، هم‌چنین به‌لحاظ بعد تشخیص شهری، دو مسجد با هم تفاوت بسیاری داشته‌اند.

واژگان کلیدی: مساجد ایرانی-اسلامی، مساجد عربی-اسلامی، مسجد کبیر، مسجد عتیق، خارطوم، شیراز.

* مطالعه‌های انجام شده در مسجد کبیر خارطوم برگرفته از پژوهش‌های الطیب صالح سودانی است.

** E-Mail: nahid_nj@yahoo.com

مقدمه

بی گمان، ظهور هر پدیده‌ای با صبغه تاریخی، خلق الساعه نبوده و متکی بر زمینه^۱ و بستر است. این بازگشت، ما را ترغیب می‌کند تا قبل از بررسی هر پدیده، به عوامل موجد آن بپردازیم. آثار معماری، یکی از آن پدیده‌های تاریخی است. بناهای تاریخی هر کشور، بخشی از شناسنامه، تاریخ و کارنامه مردمی است که در آن عرصه زمانی زندگی کرده‌اند. ممکن است که این برگ‌های زرین در طول زمان، به پراکندگی و فراموشی سپرده شده باشند، اما این آثار به خاطر خلوص و واقعیت‌گرایی‌شان، نشان از فکر و ذهن مردمان به‌وجودآورنده آن دوران دارند؛ از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توان به مساجد شهرهای اسلامی اشاره کرد.

شهرهای اسلامی، با استفاده از شیوه‌های شهرهای تمدن‌های مغلوب شده توسط اسلام و اتکا به شکل و الگوی فرهنگی جدید، دارای وجوه اشتراک زیاد با یکدیگر هستند (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۲). این اشتراکات را می‌توان از ابعاد مختلف از جمله ساختار، کالبد و فرهنگ که در ابنیه و اماکن مذهبی مانند مساجد، تکایا و... نمود پیدا می‌کند، مورد بررسی قرار داد (Suleiman, 2011: 6). اما در حالی که شهرهای اسلامی تحت تأثیر فرهنگ دینی و در تعامل با فرهنگ‌های بومی پیش از اسلام، استیلای حکومت‌های متمرکز، موقعیت جغرافیایی و نقش آن در جامعه هستند (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۴) به لحاظ قومیت، زبان و... سیمایی متمایز به خود گرفته‌اند که دو شاخص «عربی» و «ایرانی» از جمله آنهاست. این تشابه‌ها و تمایزها بین شهرهای اسلامی، اساس خوبی برای انجام مقایسه‌های بین شهری است که بدانیم شهرهای تحت سیطره اسلام در ابنیه و اماکن مذهبی، تا چه حد با هم مشابهت دارند و تا چه حد تحت تأثیر مؤلفه‌های بومی بوده‌اند.

با عنایت به این که در تمامی جهان، مساجد مسلمانان با کالبد و شکلی متفاوت با گذشته طراحی شده‌اند (عربی و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۸) و هماهنگی با محیط در آنها محرز است، ساختار سنتی و تأثیرات آن نیز در برخی از بناها مورد توجه بوده و تأثیرات وافر بر زندگی روزمره مردم و خوانش آنها از مسجد داشته است. از سوی دیگر با توجه به حضور کالبدی و تأثیرات معنوی مساجد، تأمل و بازبینی عمیقی می‌طلبد تا مشخص شود چگونه شکل و کالبد می‌تواند زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان- که هدف اصلی عبادت است- شود. بیان دو نکته در اینجا حائز اهمیت فراوان است و آن این که در طراحی مساجد، اعتقادات و باورها منجر به تغییر شکل آنها شده‌اند و یا براساس تشخیص شهری در گذر زمان و رویدادهای تاریخی تغییر یافته‌اند (حسین‌مردی و مروجی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲). از این‌رو، شناخت دگرگونی دو مسجد عتیق و کبیر و میزان اصالت و تحول آنها بسیار مهم است. روند ساخت و توسعه این دو مسجد در طول تاریخ همواره با نوعی تغییر و تداوم همزمان بوده است. در ایران و برای مسجد عتیق، روند ساخت تا

دوره صفویه، تغییرات چندانی در شکل و فرم و نیز در طراحی در بر نداشته است. در دوره صفویه، نمایه‌هایی از طراحی مذهبی بدان افزوده و فرم مسجد مذهبی تر شد. این روند در طراحی‌هایی که در اندرون‌ها و شبستان‌ها شد، کاملاً مشهود است. بنابراین اصالت مسجد در طول زمان حفظ شد و در دوران‌های مختلف که اوج آن در دوره صفویه بود، مواردی بدان افزوده شد. این روند نشان می‌دهد مسجد در طراحی و فرم‌های انباشتی با گسست مواجه نبوده و اصالت مسجد حفظ شده است. اما درخصوص مسجد کبیر، روند به این صورت نبوده است. بررسی‌های محققان نشان می‌دهد که اصالت مسجد در طول زمان حفظ نشده و با تغییرات بسیاری مواجه بوده است؛ این تغییرات از فرم ظاهری گرفته تا ساختار داخلی را شامل می‌شود. این مسجد تا دوران اول (قبل از استعمار)، اصالت خود را حفظ کرده بود ولی پس از آن همواره تغییراتی را به خود تجربه دیده است. کالبد جدید و متفاوت با گذشته این مسجد که با کمک استعمارگران تغییرات در آن داده شد، تا حدود زیادی توان انتقال‌دهندگی خود را از دست داد. هرچند خوانش مردم از این مسجد تغییری نکرد، ولی در انتقال حس دعوت‌گری با عنایت به کمک استعمار، توان آن کم‌تر از گذشته شد. در کل مشهود است که مسجد کبیر خارطوم با گذشته خود، دارای گسست شده است و دیگر یک مسجد سنتی قلمداد نمی‌شود، بلکه در انطباق شکل و کالبد آن بیش‌تر جزو مساجد معاصر لحاظ می‌شود. بی‌گمان، برای شناخت بهتر دگرگونی و تحول اصالت دو مسجد، مقایسه می‌تواند نقش باورها و اعتقادات و یا نقش تشخیص شهری را بهتر عیان سازد. روش مقایسه‌ای به ما کمک می‌کند تا میزان حضور یا فقدان شاخص مورد نظر را بسنجیم و نمود آن را تحلیل و تبیین کنیم.

مقایسه عناصر و ابنیه شهری اولین بار توسط ماکس وبر در تقابل و مقایسه شهرهای غربی و غیر از آن صورت گرفت (وبر، ۱۳۷۵: ۸۷). بعدها افرادی مانند رینگر^۲ شاخص‌های مقایسه شهری را از قبیل «بازارها، برج و باروها، مراکز خرید» مورد بررسی قرار دادند (Ringer, 2004: 204). هرچند وبر بر سه شاخص عمده حقوق شهروندی، تشکلهای و اتحادیه‌ها و سطوح مشارکت شهری برای مقایسه تأکید می‌کرد (وبر، ۱۳۷۵: ۵۶) اما افرادی دیگری نظیر سلطان‌زاده بر شاخص‌هایی مانند شاخص‌های اداری، سیاسی و امنیتی برای مقایسه اشاره داشته‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۰۸). برخی دیگر، شاخص‌های متفاوتی را برای مقایسه مینا قرار داده‌اند، از جمله می‌توان به بونین^۳ و شاخص استقرار بازار، کشاورزیان و شاخص فعالیت‌های سیاسی (Daneshmir & Spiridonoff, 2008)، مارکوس^۴ سطح توسعه‌یافتگی و مدرنیزاسیون (McCrea, Tung & Stimson, 2004)، جایوسی و دیگران^۵ با شاخص زیربنای اجتماعی و فضای عبادی (Amin, 2013) و معتضد با بحث کارکرد سیاسی (معتضد، ۱۳۶۶) اشاره کرد. در این زمینه، گردون معتقد است عوامل

تشخیص شهری شامل «طرح‌ها، ساختمان‌ها، کاربری، خیابان‌ها، نقشه‌ها، چشم‌اندازهای شهری» است (Ringer, 2004: 205)؛ یعنی آنچه که بیش‌تر به ابنیه شهری مربوط می‌شود. عوامل کالبدی تعیین‌کننده ابعاد مکانی، فضایی، طراحی و ساخت ابنیه مذهبی شهری است. این عوامل هم در قالب معیارهای تشخیص شهری بر ابنیه مذهبی شهر تأثیر گذاشته و هم در قالب احکام دینی-عبادی تأثیرگذار بوده‌اند.

شاید بهترین مقایسه را دیدگاه حکمت اسلامی ارائه می‌دهد. این دیدگاه، زمانی که به مقایسه ابنیه و اماکن مذهبی در دو بُعد عبادی و تشخیص شهری می‌پردازد، بر این روند صحنه می‌گذارد که بعد عبادی برگرفته از آموزه‌های اسلامی است، بنابراین می‌تواند شکلی واحد به آثار اسلامی در سراسر کشورهای اسلامی دهد. اما بُعد تشخیص شهری برگرفته از معیارهای و سنت‌های منطقه‌ای است، بنابراین در این بخش، تفاوت‌ها ظهور کرده و شکل آثار و طراحی آنها، متفاوت خواهند بود. در این مقاله، ابعاد یاد شده، مبنای مقایسه و جوه اشتراک و افتراق بین مساجد کبیر خارطوم و عتیق شیراز قرار گرفتند.

تجزیه و تحلیل دقیق‌تر دگرگونی طراحی و ساخت مساجد شهر خارطوم در چارچوب مکانی-زمانی روشن می‌سازد که از سده نوزدهم به این سو، اصولاً شهر عربی-اسلامی با ویژگی‌های سنتی آن شاید فقط به‌طور بسیار مشروط وجود داشته و بر طراحی مساجد و ابنیه مذهبی تأثیرگذار بوده است (احمد، ۲۰۰۴: ۱۶؛ الطیب، ۲۰۰۵: ۲۴) که می‌توان این زمان را پایان رونق حیات ابنیه اسلامی سنتی دانست (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۲۲). از سوی دیگر، برای مقایسه بهتر و مبتنی بر مصداق، مسجد عتیق شهر شیراز به‌عنوان نماینده ابنیه و اماکن مذهبی (مسجد) شهر ایرانی-اسلامی منتخب شد. این مسجد، دارای ویژگی‌های خاصی است. گسترش ارتباطات کشورهای اسلامی از جمله ایران، سبب رواج الگوها و ویژگی‌های جدیدی در حوزه فرهنگ اجتماعی-شهری شد که با ماهیت بناها و اماکن مذهبی قبل، تفاوت‌های چشمگیری دارد، در این میان، شیراز اصالت خود را حفظ کرده و در کمتر از چندین قرن، هنوز سرآمد شهرهای اسلامی است. از این رو، مسجدی از شهر شیراز برای مقایسه انتخاب گردید.

روش تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر، از روش‌های تحقیق اسنادی (کتابخانه‌ای) و شیوه استدلالی (مفهوم به مصداق) استفاده شده است. ابتدا مبانی نظری مسجد در دو بعد تشخیص شهری و فضای عبادی مورد بررسی قرار گرفت، سپس معیارهای تشابه و تفاوت بررسی شدند. با ترجمه کتاب ضوء البیت اثر الطیب صالح سودانی در خصوص ابنیه شهرهای عربی-اسلامی و احصای معیارهای آن و با توجه به فیش‌های استخراج شده و روش تحقیق مصداقی،

شاخص‌ها استخراج شد. بدون شک، مقایسه مسجد عتیق شیراز و مسجد کبیر خارطوم، بنا به دلایلی صورت گرفته است. بهتر و گویاتر است که اهمیت مسجد کبیر خارطوم را از یافته‌های پژوهشگران عرب، جوینا شویم.

ابراهیم می‌گوید که خارطوم سرآمد شهرهای شرق آفریقا، به‌لحاظ دارا بودن ابنیه و اماکن مذهبی متعدّد بوده است (ابراهیم، ۲۰۰۹: ۲۱). ابوسلیم، مطالعاتی بر ابنیه و اماکن مذهبی شهر خارطوم به‌ویژه مسجد جامع شهر نموده که براساس آن اذعان می‌دارد که این شهر دارای مظاهر بومی و بیش‌تر تحت سیطره اسلام بوده است و می‌تواند معیار مناسبی برای شهرهای عربی-اسلامی باشد (ابوسلیم، ۱۹۹۱: ۴). خضر، درباره ابنیه و اماکن مذهبی این شهر می‌گوید که شهر خارطوم اسوه‌ای مناسب از حیث زیبایی و نوع معماری اسلامی بومی برای سایر شهرهای اسلامی است (خضر، ۲۰۱۶: ۸). محمدیه و صالح، نیز با بررسی شرایط ابنیه و اماکن مذهبی شهر، آن را یکی از معیارهای اسلامی و عربی معرفی کرده‌اند و مظاهر معماری اسلامی بی‌شماری را برای آن بر شمرده‌اند (محمدیه، ۲۰۰۷: ۱۲؛ صالح، ۲۰۰۶: ۲۱). با توجه به این جایگاه این مسجد برای مقایسه با مسجد عتیق شیراز انتخاب شد.

مبانی نظری

آموزه‌های معنوی و باورهای فرهنگی، زیربنای هر معماری ارزشمند و پویاست. از این رو، بازشناسی دستاورهای معماری اسلامی بدون آگاهی از مبانی اندیشه‌ای و زیرساخت‌های اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود. کسانی که ناآگاهانه معماری اسلامی را مستقل از معنویت و حکمت می‌خوانند، ناخودآگاه راه پیشرفت و تعالی آن را مسدود می‌نمایند. به منظور درک هر چه بهتر این روند تکاملی باید در نظر داشت که معماری کهن اسلامی از جمله مساجد، بدون درک آموزه‌های معنوی و باورهای فرهنگی مردمانی که خشت و رنگ آنها را پایدار داشته‌اند، فهم نمی‌شود. از این رو، در بازشناسی هر اثر معماری باید توجه داشت که از یک سو، مفاهیم معنوی حاکم بر جریان طراحی، سازنده ویژگی‌های کالبدی بنای نهایی است و از سوی دیگر، هر فضای ساخته شده به صورت جامع، معرف تنوع شناخت و پیش فرض‌های طراحی است. بنابراین مبانی فرهنگی بستر شکل‌گیری بنا، ویژگی‌های معنوی سازنده و فضای ساخته شده، عناصر اصلی شکل‌یابی مفاهیم معنوی در کالبد مادی بناهای معماری هستند (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۱). حکمت معماری اسلامی مرتبه‌ای است که در آن به نیازهای مادی و معنوی به‌صورت یکسان پاسخ می‌دهد. بنابراین، «براساس آموزه‌های معنوی و باورهای فرهنگی و برای مکان حضور عبادت‌کنندگان، دو تفسیر شکل می‌گیرد:

اول: ایجاد امکانات و مکانی برای عروج و اتصال روحی با معبود بوده که این امر بیش‌تر به ساحت نظری هر آیین مربوط می‌شود.

دوم: آنچه بیش تر فضای عبادی را تحت تأثیر قرار می دهد، ناشی از ساختار مناسب عملی، احکام و اعمال عبادی، انفرادی و جمعی است که از ساحت عملی هر آیین در جهت پرستش معبود ناشی می شود.

مجموعه ساخت‌های نظری و ساختار عملی به شکل، ابعاد، نوع فضا و جزئیات آن نظام داده و به این ترتیب، معنا و عملکرد مقدمه لازم برای تولید شکل می شود. به عبارت دیگر معمولاً ساحت نظری و عملی هر دین، به مکان عبادی جهت گیری و به شکل آن نظام می دهد» (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۰). معماری مساجد به عنوان فضاهای عبادتگاهی مخصوص دین اسلام، مهم ترین نمود معماری اسلامی محسوب می شود که در پهنه گسترده سرزمین های اسلامی از تنوع و گوناگونی خاصی از نظر نحوه طراحی و چگونگی برخورد با اقلیم خاص آن مناطق برخوردار است (حمزه نژاد و عربی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۸). از این رو، ضروری است اصول معماری مسجد از دو بُعد تشخیص شهری و عبادی به بحث گذاشته شود.

الف) اصول معماری مسجد از بعد تشخیص شهری

ساخت مسجد توسط معمار مسلمان: خداوند در قرآن می فرماید: مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را بر پا دارد و زکات را پردازد، و جز از خدا نترسد، امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند (سوره توبه، آیه ۱۸). این آیه بر اهمیت جنبه های معنوی معماری مسجد تأکید می کند. در واقع تنها کسانی می توانند ویژگی ها و جنبه های خاص معنوی را در معماری مسجد رعایت کنند که خود از نزدیک و به طور کامل با این مفاهیم آشنا بوده و آن ها را تجربه کرده باشند.

جایگاه فیزیکی: با نگاهی به معماری دوران اسلامی مشخص می شود که مساجد، به عنوان فضای عبادت برای مسلمانان، همواره در کنار فضاهای کار و زندگی روزمره مردم (بازارچه ها، میدان ها و...) شکل گرفته اند. این امر بیان گر این است که در اسلام زندگی دنیوی مردم با زندگی اخروی شان در آمیخته و خداپرستی و عبادت در بطن زندگی اجتماعی مردم جریان دارد. جایگاه مسجد همواره در میان قلب تپنده شهر بوده است تا مسجد در ارتباط نزدیک با مردم معنای حقیقی خود را پیدا کند. به همین علت است که شکل و ابعاد زمین مسجد تابع امکانات بافت اطراف و نیازهای درونی است و حجم خارجی آن الگو و شکل مشخصی ندارد (نقره کار، ۱۳۷۸: ۶۱۹).

شاخص بودن در عین سادگی: «فضا در معماری اسلامی هرگز مستقل از فرم فرض نمی شود. یک مکان مقدس، قطبی است که فضای اطراف را گرد خود متمرکز می سازد، چنان که شهر مکه، نقطه ای خاکی بر روی محور اتصال زمین و آسمان که به نوعی مرکز زمین محسوب می شود، فضا را برای انجام عالی ترین فریضه اسلامی، یعنی نماز متمرکز می سازد و قطبیت می بخشد» (نصر، ۱۳۷۳: ۶۲). بر اساس حدیثی از پیامبر که فرموده اند: «هرگاه دیدید قرآن ها آراسته

و مساجد زیور شده و مناره ها بلند و طولانی شده و قرآن را فقط برای نشان دادن آواز خوش می خوانند و مساجد راه عبور و مرور است، در آن زمان، مؤمن از کبریت احمر هم کمیاب تر و گرانبهار است. همانا مساجد چنان مردمی آراسته و ظاهر بدن های شان پاکیزه است، ولی دل های ایشان پلیدتر از لاشه مردار است» (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۵۴۱)، یکی از معیارهای ارزشی در اسلام، سادگی و وارستگی از مظاهر دنیوی است (حمزه نژاد و عربی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۸).

نوآوری و ابتکار: «از آنجا که خداوند خود را خلاق (خالق) و نوآفرین (بدیع) و متنوع آفرین (بارء) و نقش آفرین (مصور) می داند، هنرمند موحد نیز باید صفات الهی را در خود و کار هنری خود متجلی سازد» (نقره کار، ۱۳۸۷: ۶۱۷). آثار باقی مانده از مساجد تاریخی ایران بیانگر این است که معمار مسلمان همواره با رعایت و حفظ اصول و معیارهای معنوی، فارغ از زمان و مکان، فرم های معمارانه خود را در انواع نقوش و احجام هندسی و عناصر بدیع پدید آورده است (حمزه نژاد و عربی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۸).

خوانایی: خداوند در سوره جن می فرماید «مساجد از آن خداست، پس کسی را با خدا بخوانید» (سوره جن، آیه ۱۸). از این آیه می توان این گونه دریافت که مساجد از آن خداست و باید خداگونگی و انتساب به خدا در تمام بنا مشخص باشد که می توان از آن در معماری مساجد با عنوان خوانایی نام برد. حجت در زمینه خوانایی مساجد معتقد است همان گونه که در جامعه اسلامی اول از همه از روحانی انتظار می رود که از مستمندان دستگیری کند، در میان ساختمان ها و فضاهای شهر اسلامی نیز، از مسجد انتظار می رود که پناهگاه ناتوانان و سالخوردهگان باشد. در این صورت ضرورت خوانا بودن مسجد مورد توجه قرار می گیرد (حجت، ۱۳۸۶: ۱۲).

عدم استفاده از نشانه ها و فرهنگ های بیگانه: «ابوبصیر از امام باقر(ع) در حدیثی طولانی روایت می کند که فرمود: هنگامی که امام قائم(ع) قیام کند به کوفه رود و در آنجا چهار مسجد را ویران کند، و مسجد کنگره داری در روی زمین نباشد جز اینکه حضرت آن را خراب و هموار سازد» (مفید: ۳۶۰ و ۳۶۱). در روایت دیگری از امیرالمؤمنین(ع) این گونه نقل شده است که «امیرالمؤمنین علی(ع) در کوفه مسجدی را دید که دیوارهای آن کنگره دارد، فرمود: مانند عبادتگاه ها و مساجد یهود است. مساجد را کنگره دار نباید ساخت، بلکه دیوار آن را هموار و صاف باید ساخت» (شیخ صدوق، ۱۳۶۷: ۳۴۱).

عدالت اجتماعی (جایی برای همه مردم): مساجد در ایجاد عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و محرومیت عمومی نقش مؤثری ایفا می کنند. مسجد جای یکسانی مردم در برابر حضرت حق است. جایی که فقیر و غنی در برابر خداوند برابرند (حمزه نژاد و عربی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۸).

ایجاد حریم بین درون و بیرون: در حکمت عملی اسلام، فضای عبادتگاهی جایگاه سیر در انفس است و نسبت به فضای آزاد و

رها شده طبیعی، مرز و حریم ایجاد می‌نماید تا نگاه و توجه انسان از عالم خارج به عالم درون (تفکر و اندیشه و خودآگاهی) برگردد. «اگر فضای بیرون فضای سیر در آفاق است و فضای تحرک و تنوع و تغییر، یعنی جهان کثرت، فضای درون باید فضای تأمل و توجه و تذکر و حضور قلب باشد برای خودآگاهی و سیر در انفس. حریم‌ها و مفصل‌های متعدد و متنوع، این شگرد حیرت‌انگیز در طراحی معماری را ظاهر می‌سازد» (نقره کار، ۱۳۷۸: ۲۳۲).

دعوت‌گری: با توجه به این که مسجد، محلی برای حضور همه مردم از هر قشر و طبقه‌ای است، بنابراین ضروری است که معماری آن، معماری دعوت‌گر باشد، به طوری که همه افراد جامعه را به سمت خود بخواند. علاوه بر این، می‌تواند دلیلی برای جذب پیروان دیگر ادیان شود و به نوعی به عنوان مبلغ دین اسلام عمل کند. بهشتی در کتاب مسجد ایرانی، مکان معراج مؤمنین برای دعوت‌کنندگی مسجد به عنصر جلوخان اشاره می‌کند. از نظر او جلوخان جایی است که فعالیت رخ داده در بنا با صحنه شهر، دست به دست شده و یکدیگر را درآغوش می‌گیرند. در واقع جلوخان مرحله انتقال از فضا به فضای دیگر است. به بیان دیگر در صحنه شهر، که عرصه عمومی تعاملات اجتماعی است، جایی وجود دارد که می‌خواهد مردم را به معراج دعوت کند (بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۵).

ب) اصول معماری مسجد از بعد عبادی

عدالت در ارزش‌گذاری فضاها: طبیعت به عنوان کامل‌ترین نظام آفرینش، تمامی شکل‌ها، هندسه‌ها و صورت‌ها را در خود متجلی کرده است. وحدت و کثرت، ظاهر و باطن و بسیاری مفاهیم دیگر، همگی اصول ثابتی هستند که با بداعت تمام با شکل‌ها و صورت‌های متنوع و جدیدی در نظام طبیعت نمایانده شده‌اند. این امر بیانگر این است که در نظام و حکمت الهی، همه شکل‌ها، صورت‌ها، تناسب‌ها و هندسه‌ها، در آغاز وجود خود به صورتی نسبی زیبا و قابل قبول هستند، اما آن‌چه به آنها تمایز و تشخص می‌بخشد، صفت عدالت است؛ یعنی به جا بودن و متناسب بودن آن‌ها؛ مانند همه آن‌چه در عالم وجود تحقق یافته است (حمزه‌نژاد و عربی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۸).

اهمیت جهت قبله در هندسه فضا: «معماری، هنری است برای نظم بخشیدن به فضا و معماری قدسی هم به مدد تکنیک‌های مختلف معماری، هدف اصلی خود را در قرار دادن انسان در محضر پرورگار، از طریق تقدس بخشیدن به فضایی که می‌سازد و بدان نظم می‌دهد و مزین می‌سازد، تحقق می‌بخشد (نصر، ۱۳۸۹: ۵۵).

اتصال صفوف: از شرایط صحت اقامه نماز جماعت، اتصال نمازگزار از جلو یا از یک پهلو به صف نمازگزاران است. «صف جماعت مظهر ارتباط جمعی و بی‌واسطه همه انسان‌های مؤمن با خداست. بنابراین با توجه به استحباب پرکردن صف‌های جلو و طویل بودن آن و استحباب تعداد بیش‌تر نمازگزاران و شرایط شرعی اتصال صفوف، شبستان‌ها و صحن‌ها در همکف به تبعیت از صفوف نمازگزاران با هم ادغام می‌شوند و علی‌رغم استقلال

فضایی خود به صورت منظم از هر طرف گسترش می‌یابند» (نقره کار، ۱۳۷۸: ۲۳۵-۲۳۴).

سیر در انفس (سکون و بی‌جهتی): خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: توجه خود را هنگام عبادت و در هر مسجدی به سوی او کنید و دین خود را برای او خالص کنید (سوره اعراف، آیه ۲۹). از این رو، مسجد مسیر سلوک برای رسیدن به عالی‌ترین مرتبه است. در مسجد باید معراج اتفاق بیفتد. هندسه اصلی مساجد قابل استناد مسلمانان، مربع است. در میان بی‌نهایت اشکال موجود، مربع مناسب‌ترین شکلی است که انسان را از نظر فیزیکی آرام و متعادل نگه می‌دارد. این هندسه کم‌ترین جاذبه حرکت و توجه به اطراف را در پی دارد و انسان را به سکون و سیر در انفس دعوت می‌کند. بنابراین در طراحی فضاهای عبادی، که برای رسیدن به مرتبه عالی باید شرایط تمرکز انسان و بازگشت او به درون خود فراهم شود، انتخاب هندسه مناسب، که به بهترین وجه انسان را به سیر در انفس وادارد، از اصول بسیار مهم است.

سیر از ظاهر به باطن (زمین به آسمان): «اساساً اسلام جمع میان ظاهر و باطن است و تمام و کمال بودن دیانت اسلام به همین معناست. چنین وضعی در اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی سبب می‌شود تمدن اسلامی برخلاف هنر مسیحی صرفاً بر باطن و عقبی تأکید نکند یا مانند هنر یهودی تنها به دنیا نپردازد، بلکه جمع میان دنیا و عقبی کند و ضمن آن که اصالت به عقبی در برابر دنیا دهد، هر دو را فدای عشق حق بداند» (مددپور، ۱۳۷۷: ۳۶). معماری اسلامی نیز چون دیگر معماری‌های دینی به تضاد میان داخل و خارج و حفظ مراتب توجه می‌کند. هنگامی که انسان وارد ساختمان می‌شود، بین درون و بیرون تفاوتی آشکار مشاهده می‌کند. این حالت در مساجد به کمال خود می‌رسد. در واقع مسجد معبری است که به باطن جهان می‌خواند و از ظاهر حیات دنیا به باطن عالم، که آخرت است، معراج می‌دهد (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۱).

وحدت: «جهان هستی در اسلام بر پایه تأکید بر پروردگار به عنوان منشأ واحد تمام موجودات و هم‌چنین بر سلسله مراتب وجود، که خود متکی بر ذات واحد بوده و به فرمان او انتظام یافته است، استوار است. این جنبه و دیگر جنبه‌های کیهان‌شناسی اسلامی در معماری اسلامی، به ویژه در معماری مقدس مسجد تجلی یافته‌اند» (نصر، ۱۳۸۹: ۵۴). در فرهنگ اسلامی اهمیت وحدت، معنایی عمیق و بیش از هماهنگی ظاهری است. نمود این معنی در معماری به صورتی کاملاً تجریدی و انتزاعی است و بهترین نمود آن به صورت اصالت فضای خالی در معماری اسلامی تجلی می‌یابد. اما استفاده از نمادگرایی (سمبلیسم) هندسی و تمثیل‌پردازی‌های انتزاعی، دیگر راه‌های ممکن برای بیان این مفهوم در معماری است (حمزه‌نژاد و عربی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۸). در کل، با توجه به مطالب بالا، جدول شماره ۱، استخراج شد.

جدول شماره ۱: اصول معماری مسجد بر اساس مستند دینی، ایرانی و عربی

مستند تاریخی (بعد افراتی)	مستند دینی (بعد تشابه مساجد عربی و ایرانی)	معماری مسجد (دیدگاه حکمت اسلامی)	اصول معماری مسجد از بعد
مساجد تاریخی شیراز توسط مسلمانان بنا شده است. در حالی که مساجد سودان به صورت ترکیبی مسلمانان و استعمارگران بنا شده است.	مساجد خدارا تنها کسی آباد می کند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا دارد و زکات را بپردازد و جز از خدا نترسد... (سوره توبه، آیه ۱۸)	ساخت مسجد	اصول کالبدی
وجود مساجد تاریخی همانند مسجد امام اصفهان، مسجد وکیل شیراز و ... در قلب بازار اما مساجد خارطوم غالباً در بطن بازار نبوده اند	ضرورت قرارگیری فضای عبادتگاهی مسلمانان در کنار فضای کار و زندگی در حکمت اسلامی.	جایگاه مسجد در قلب پتند شهر	
مساجد تاریخی ایران در میان بافت شهری همواره سر و گردنی بالاتر بوده و نقشی شاخص داشته اند (نقره کار، ۱۳۷۸: ۲۲۹) اما این در مورد مساجد سودان صدق ندارد.	سفارش معصومان بر سادگی و وارستگی از مظاهر دنیوی	شاخص بودن در عین سادگی	
نوآوری و بداعت مساجد تاریخی ایران در هر عصر نسبت به اعصار قبل (افزوده شدن گنبد، مناره و...)، این نوآوری فقط در دو عصر برای مساجد سودان شکل گرفت و نه در همه اعصار	بازتاب صفات الهی خلاق بدیع، بار و مصور (نقره کار، ۱۳۸۷).	نوآوری	
وجود گنبد و مناره به عنوان نماد مساجد در شهر موجب خوانایی آن در بین سایر عناصر شهری شده است. در سودان به عنوان یک کل مجزا از بافت است و گنبد و مناره در یک بافت کاملاً مجزا و نه عجین مانند ایران، رخ می نماید	ضرورت خوانایی فضاهای عبادی و شناس بودن آن برای همه مسلمانان و اماکن حضور آن ها.	خوانایی	
مساجد ایران مساجدی منحصر بفرد هستند که از بین سایر فضاهای شهری و بناهای دیگر ادیان به راحتی قابل شناسایی و ممتاز است.	امام علی (ع) در کوفه مسجدی دید که دیوارهای آن کنگره دارد، فرمود: مانند عبادتگاه ها و مساجد یهود است. مساجد را کنگره دار نباید ساخت، بلکه دیوار آن را هموار و صاف باید ساخت (شیخ صدوق، ۱۳۶۷: ۳۴۱).	عدم استفاده از نشانه های فرهنگ بیگانه	اصول معنایی
همه مساجد تاریخی ایران همیشه به روی همه مردم باز بوده و همگان در این مکان ها در پیشگاه خداوند یکسانند. مساجد سودان در مناسبت ها و هنگام نمازهای یومیه فقط باز است.	توصیه های معصومان بر رعایت عدالت اجتماعی و یکسانی همگان در پیشگاه خداوند.	عدالت اجتماعی	
در مساجد تاریخی ایران ورود از فضای مادی بیرون به فضای مسجد، با طی سلسله مراتب اتفاق می افتد و این حریم قابل رؤیت است. این در مورد مساجد سودان تحقق نمی یابد.	اصالت معرفت نفس، تفکر و وارستگی از مظاهر مادی در همه نیایش های اسلامی.	ایجاد حریم بین درون و بیرون	
مناره های زوجی در طرفین ورودی مساجد و نیز ورودی های مرتفع، اما در سودان مناره های مکعبی و یا چهارگانه وجود دارد بیش تر	ضرورت تبلیغ اسلام و نیز اولویت عبادات اجتماعی بر فرادا.	دعوت گری	
در معماری مساجد تاریخی همه فرم ها و هندسه ها به طور مناسبی در جای خود به کار برده شده اند. معماری ساده در مساجد سودان به خوبی قابل مشاهده است	امام علی (ع): عدالت، هر چیزی را در جای خود قرار می دهد	عدالت در ارزش گذاری فضاها	
در مساجد تاریخی ایران، برای همسانی فضا با جهت قبله، تعبیرات خاص معماری صورت گرفته است. اما در مساجد سودان این تغییرات در نهایت سادگی است.	امام علی (ع): از سنت رسول خدا (ص) است که در مسجد می نشینی رو به قبله بنشین (مجلسی، بحارالانوار، جلد ۸۳).	اهمیت جهت قبله در هندسه فضا	اصول کالبدی
در مساجد تاریخی ایران فضای گنبدخانه برای برقراری اتصال بین صفوف، با شبستان های اطراف خود ارتباط مستقیم دارد. اما مساجد سودان فاقد شبستان مانند مساجد ایران است.	ضرورت اتصال صفوف و نیز اولویت صف اول نماز جماعت در احکام دین اسلام.	اتصال صفوف	
شکل شبستان های مساجد تاریخی ایران بدون هیچ روزنی در فضای داخلی، نگاه انسان را به درون فضا هدایت می کند و فضا را برای تأمل و حضور قلب مناسب می سازد.	تأکید بر حضور قلب و تمرکز حواس انسان در حین اقامه نماز در آیات و روایات مسلمین.	عدم تشخص بازوها و نور در فضای داخلی	
هندسه مربعی گنبدخانه ها و شبستان ها، حداقل جاذبه حرکتی و دعوت انسان به سکون و سیر در انفس است. در مساجد سودان هندسه مخروطی شکل وجود دارد.	اصالت معرفت نفس و تفکر در همه نیایش های اسلامی.	سیر در انفس	
فضای گنبدخانه مساجد تاریخی ایران، معبری از ظاهر حیات دنیا به باطن عالم آخرت است.	اصالت معراج و سیر معنوی به باطن عالم از طریق نیایش.	سیر از ظاهر به باطن	
القای حس وحدت در شکل گنبد در مساجد تاریخی ایران. در مساجد سودان، چون یکپارچگی قومی و مذهبی وجود دارد، حس وحدت و همگرایی از مساجد منتقل نمی شود.	اصل توحید و تجلی مفهوم وحدت الهی در همه هستی	وحدت	

را می‌توان به پنج اصل تقسیم کرد: مردم‌واری، پرهیز از بهبودگی، نیارش، خودبسندگی و دورنگرایی (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۲۴).

یکی از ویژگی‌های معماری ایرانی-اسلامی، ارتباط تزیینات و ساختار بنا است. در معماری هر عصری، هم‌سویی ساختار و تزیینات، اغلب ناقص است؛ به طوری که به ارزش ساختمانی بی‌توجهی شده، خنثی در نظر آمده یا تأکید بیش از حد شده است. اشکال متعدد بسیار عالی، بر روی مصالح گوناگون اجرا شده است: آجر در شکل‌های بی‌شمار، گچ‌بری در حد کم‌تری، چوب در شکل‌های بسیار عالی برای نرده‌کشی و سقف، فلز برای طارمی پنجره‌ها و چهارچوب‌های تشریفاتی و عمدتاً بر روی چوب کار گذاشته شده، کاشی‌الوان در معرق‌کاری یا کاشی‌کاری کفپوش (پوپ، ۱۳۷۰: ۴۶). هم‌چنین از ویژگی‌های دیگر طراحی خلاق فضا با استفاده از شکل‌ها و فرم‌های زیبا و متنوع و همساز با اقلیم، استفاده از مصالح بومی محلی در جهت تأمین نیازهای مادی و روانی افراد ساکن در منطقه است. توجه به اصل توحید با تأکید بر فضای خالی حیاط در مرکز بنا و توجه به مقیاس انسانی و مردم‌وار بودن در فضاها زمینه‌ساز توجه به نیازهای روانی و روحانی است.



تصویر شماره ۱: نماهای مختلف از مسجد جامع شیراز؛
مآخذ: Url1, Url2 and Url3

براساس مجموع مفاهیم آورده شده می‌توان مدل زیر را برای تبیین شکل‌گیری مساجد ارائه داد.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی و معیارهای تشخیص شهری و فضای عبادی مؤثر بر شکل‌گیری مساجد اسلامی

معرفی نمونه‌های مطالعاتی

مسجد جامع عتیق شیراز

معماری در ایران، بیانگر فراز و فرودهای بسیاری است. در پاره‌ای از دوره‌های تاریخی، تقریباً رکود آثار معماری وجود داشته و در دوره‌های دیگر، چنان رشد کرده که امروزه به‌عنوان سند افتخاری برای ملت ایران است. از آنجا که ایران کشوری در میان قلمرو جغرافیایی اسلامی بوده، بنابراین پدیده معماری هم از دیگر سرزمین‌ها تأثیر گرفته و هم تأثیرگذار است و مثل بسیاری از پدیده‌های تمدنی، معماری به خودی خود نمی‌توانسته رشد و توسعه یابد. سه دوره بزرگ در معماری ایران پس از اسلام قابل بررسی و تعمق زیاد است: یکی دوره سلاجقه (۴۲۹ - ۵۵۲ ه.ق)، دیگری دوره ایلخانی (۶۵۴ - ۷۴۴) و سوم دوره صفویه (۹۰۷ - ۱۲۴۷ ه.ق) (گدار و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۱۶).

معماری اسلامی مسجد جامع شیراز را می‌توان متأثر از دو شاخه عمده و اصلی دانست؛ یکی خارج از فرهنگ بومی ایران، و دوم متعلق به فرهنگ بومی ایران پیش از اسلام. سهم مورد اخیر، تقریباً تمامی تأثیر را در بر دارد. کاربرد انواع قوس‌ها و از آن جمله طاق ضربی، خلق گنبد بر روی پایه چهار گوش و ایوان، از جمله عناصر اصلی به شمار می‌روند که از پیش از اسلام آمده‌اند. هم‌چنین، طرح مساجد و مدارس چهار ایوانی براساس پلان کهن صحن‌های چهار ایوانی مربوط به دوره اشکانی (۲۵۰ - ۲۲۶ ق.م) و ساسانی (۲۲۴ - ۶۵۲ م) و حتی قبل از آن در زمان هخامنشیان (۵۵۹ - ۳۳۱ ق.م) بنیاد گرفته است. معماران ایرانی پس از گسترش اسلام در کشور ایران، سنت‌های دیرین معماری ایران را دنبال کردند و از همان آغاز مبنای بسیار منطقی و پس‌سندیده‌ای برای معماری اسلامی پدید آوردند (جوادی، ۱۳۶۳: ۵۵). با آغاز عصر اسلامی، در تاریخ آرایش‌های معماری و رابطه ساختمان با آرایش آن، فصل تازه‌ای آغاز شد. در سنت رنگ و طرح که به آرامی به حد رشد می‌رسید، در مقام بخش اساسی از هنر ساختمان، مایه‌های قدیم دوباره پدیدار گشت؛ مایه‌هایی که از تماس‌های قدیم با هنر چین و غرب هلنی به آرامی نفوذ کرده بود. کشف و به کارگیری مصالح و فنون تازه در هیچ جای دیگر، با یک چنین ذوق و آگاهی همراه نبود (پوپ، ۱۳۷۰: ۱۸). سرچشمه‌های آرایش معماری شیراز، به همان وسعت ارتباطات ایرانیان است. اصول معماری اسلامی شیراز

مسجد کبیر خارطوم

در ادبیات زبان بومی «ولوف» کلمه مسجد معادل Jakka برگرفته از کلمه «مکه» و به معنای رو گرداندن به سمت مشرق است. اغلب مساجد به صورت مکانی ساده به عنوان محلی برای نماز جماعت استفاده می‌شود (Hakim, 1986). مصالح و مواد مورد استفاده در ساخت مساجد سنتی که با توجه به گروه‌های قومی، محیط زندگی و فرقه مذهبی متفاوت است با عنوان سبک مسجد سودانی شناخته می‌شود (نظیر مساجدی که در غرب سودان وجود دارد).

مسجد کبیر خارطوم در ابتدا، به شیوه موسوم به «سودانی- ساحلی» یا «نئوسودانی» (سودانی جدید) ساخته شد؛ شیوه‌ای که در ساخت مساجدی به نام Djenné در «تمبوکتو» کشور مالی از آن الهام گرفته شده است. این مسجد با ماده ساختمانی عمده منطقه یعنی خاک رس ساخته شده است. شکل ساختمانی مسجد نیز شامل شبکه وسیعی از تیرهای چوبی به کار رفته در روینای ساختمان است (Saleh, 1998). البته این شبکه تیرهای چوبی به عنوان داربست در تجدید روینا و تعمیر سالانه آن استفاده می‌شود و کاربرد تزئینی دارد (Raymond, 1994).

از لحاظ ساختار و معماری، مسجد در ابتدا مخروطی بود و در نهایت در طول زمان، ساده‌تر شده است. ساختار مسجد، منحصر به فرد نبود و تقریباً ویژگی‌های آن، در تمامی مساجد غرب سودان قابل مشاهده است. به طور کلی، مسجد کبیر، از نظر معماری ساده

قلمداد می‌شود. از سوی دیگر به لحاظ موقعیت قرارگیری، مسجد در بافت اصلی شهر واقع نشده و در حاشیه شهر احداث شده است. مسجد از لحاظ بازتاب معیارها و انتقال حس مذهبی، عدالت و ضرورت تبلیغ اسلام، دچار فقر است (بعد کالبدی تشخیص شهری). هم‌چنین این مسجد دارای سقف‌های مسطح است که با ستون‌ها حمایت می‌شود و کف بنا با شن پوشانده و بر روی آن حصیر دست‌باف گسترده شده است. روشنایی درون مسجد از طریق سوراخ‌هایی که در سقف بنا تعبیه شده تأمین می‌شود. داخل بنا به جز انبوه ستون‌ها و طاق‌ها تزئیناتی ندارد و این سادگی مانع از جلب توجه نمازگزار در حین عبادت نمی‌گردد (بعد معنایی فضای عبادی). این مسجد از لحاظ معیارهای اصل توحید، اصالت معراج، اصالت معرفت، حضور قلب و اتصال صفوف، با مسجد عتیق شباهت‌های زیادی دارد.

به‌طورکلی این مسجد از معماری ساده‌ای برخوردار است و چندان پیچیده و آراسته به هنرهای اسلیمی نیست. نوآوری خاصی در معماری مسجد دیده نمی‌شود. مسجد با یک طاق ورودی شروع و به حیاط و اندرون منتهی می‌شود. به نظر می‌رسد چون مسجد بعد ساده‌ای دارد، هم از لحاظ انتقال حس عدالت اجتماعی و هم به لحاظ دعوت‌گری از اهمیت بالایی برخوردار نباشد. نگاه و بینش مردم به آن، بسیار خاص و متفاوت از دیگر مساجد سطح شهر است و در نگاه آنان از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.



تصویر شماره ۲: نماهای مختلف از مسجد کبیر خارطوم؛

مأخذ: مسند و درمه، ۲۰۱۷

در هر دو مسجد، زمینه‌سازی برای توجه به نیازهای عقلایی با ایجاد هندسه درون‌گرا تأمین شده است. در برش سطحی و از بالای هر دو بنا، نمایش درون‌گرایی و دعوت‌کنندگی به عرش الهی به خوبی احساس می‌شود. با توجه به پلان‌های تصویر شماره ۴، و براساس شاخص رفتار نیایشی، به خوبی پیداست که هر دو مسجد به نحوی ساخته شده‌اند تا افراد بتوانند به خوبی به رفتارهای نیایشی خود بپردازند. صحن‌های فراخ، حیاط باز و وسیع از ویژگی‌های این شاخص است. از سوی دیگر با عنایت به شاخص سادگی، کاملاً مشخص است که مکان و یا همان مسجد، فضای اطراف را گرد خود متمرکز ساخته است. این نمود در هر دو پلان به خوبی قابل مشاهده است. و در آخر هم با مشاهده پلان‌ها در می‌یابیم که عدالت اجتماعی کاملاً در طراحی و ساخت رعایت شده است؛ به عبارت دیگر، عبور و مرور به آسانی قابل انجام است و دسترسی‌ها به غالب نقاط مسجد براساس پلان‌های نمایش داده شده، کاملاً مشهود است.

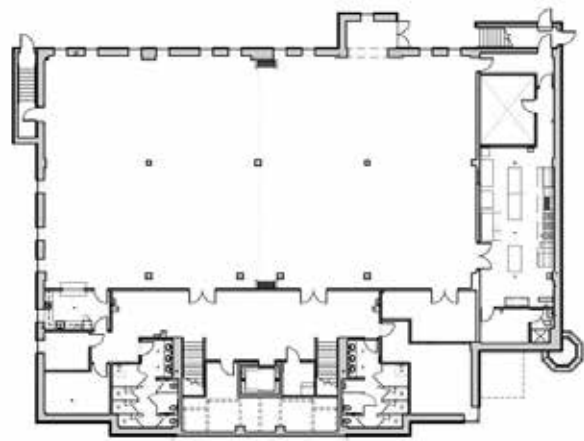
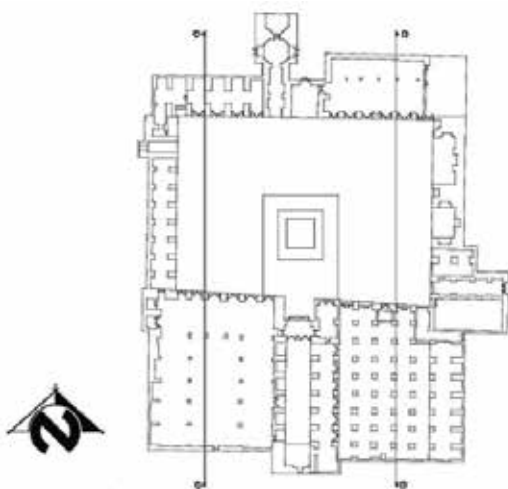
براساس تشابه‌های موجود در پلان‌های دو مسجد و برطبق «رویکرد ساختاری»، می‌توان به نظریه «بیانکاف» اشاره کرد که نیروهای شکل‌دهندهٔ ابنیهٔ مذهبی به‌ویژه مساجد را در دو زمینهٔ خاص طبقه‌بندی نموده است: عوامل داخلی و خارجی (Bianca, 2000: 17-19). از نظر وی عوامل خارجی شامل سکونت‌گاه‌های موجود (قبل از شکل‌گیری شهر اسلامی)، امکانات در دسترس محلی (شامل اهمیت ملاحظات جغرافیایی در ارتباط با مسیرهای تجاری بازرگانی، وجود منابع و...) و غلبهٔ تغییر و تحولات است. عوامل داخلی در اجزای معماری و در تکوین اجزای کالبد شهری نقش عمده‌ای دارد و عمیقاً از نقش و رفتار انسانی به‌عنوان کیفیات غیر مادی سرچشمه می‌گیرند (پیشین). نکته‌ای که نباید از آن غافل بود، این است که معماری و شهرسازی از این نظر که ارزش‌های معنوی و کالبدی را در یک کل همگرا ترکیب کرده است، خود را نسبت به سایر فرهنگ‌ها متمایز می‌کند. براین اساس،

درکل و با جمع‌بندی بررسی نمونه‌های مطالعاتی و نیز با بررسی و تحلیل مطالعات و تحقیقات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انجام شده دربارهٔ طراحی و ساخت مسجد جامع خارطوم، یافته‌ها نشان می‌دهند که طراحی مجدد این اثر مربوط به پیش از آغاز دورهٔ اشغال و استعمار انگلیس و نیز دوران پسااستعماری است. شکل‌گیری پدیدهٔ استعمار و پیوند اقتصادی کشورهای عربی-اسلامی با بازارهای جهانی و فشارهای کشورهای غربی برای هماهنگ‌سازی جامعهٔ اسلامی با فرهنگ غربی که گاه تضمین‌کنندهٔ تداوم روابط استعماری با آنها بود، پایان حیات آثار و ابنیهٔ مذهبی شهرهای عربی-اسلامی به‌شمار می‌آید که از سدهٔ نوزدهم به بعد تقویت شد (الصادق، ۲۰۰۶: ۷۲). شاخص‌های ابعاد مطالعه در ساخت و طراحی مساجد جامع دو شهر خارطوم و شیراز، شامل متغیرهایی نظیر جایگاه مسجد، زیبایی، سادگی و خوانایی (Evans, 1998: 5; Dubisch, 1995: 11)، قابلیت دسترسی و دعوت‌گری، امکانات جانبی و نیز احساس آرامش و سیر در انفس (بحرینی و طیبیان، ۱۳۷۷: ۳۳)، احساس امنیت و برابری (براندفری، ۱۳۸۳: ۴)، هویت مکان (رفیعیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴؛ بی‌پر، ۱۳۸۱: ۶) و عدم استفاده از نشانه‌های بیگانه است.

بررسی و مرور یافته‌ها

مشترکات و افتراقات دو مسجد عتیق شیراز و مسجد کبیر خارطوم

با مشاهدهٔ تصویر شمارهٔ ۳ تشابه ابنیه و امکان مذهبی را در ساخت مساجد اسلامی شیراز و خارطوم در می‌یابیم؛ به طوری که تعیین‌کننده‌های فضای عبادی مؤثرتر از تعیین‌کننده‌های تشخیص شهری هستند و موجبات تشابه را فراهم آورده‌اند. در مسجد جامع عتیق شیراز، ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای روحانی و روانی با خلق فضای تهی با استفاده از الگوی حیاط مرکزی و با تعبیه نورگیر، تداعی‌کنندهٔ رسیدن به عرش الهی است (تصویر شمارهٔ ۳- سمت چپ).



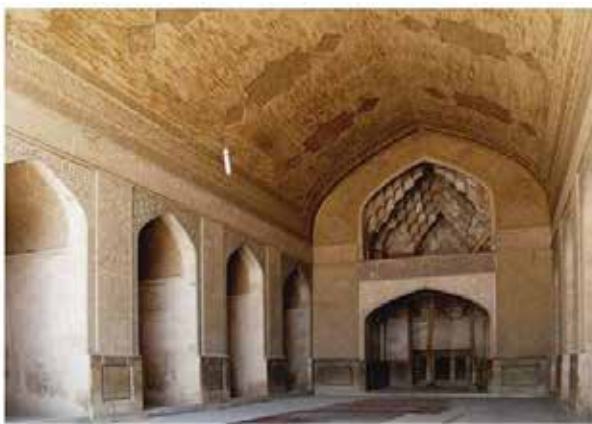
تصویر شمارهٔ ۳: پلان مساجد کبیر خارطوم (سمت راست) و عتیق شیراز (سمت چپ)؛ مأخذ: مسند و درمه، ۲۰۱۷ و Url4

چهره دو مسجد هم در ساختار و اجزا و هم در پلان تشابه‌های فراوانی دارد؛ مثلاً اختصاص بخش عمده‌ای به ایوان و حیاط، ستون‌های متعدد و مشابه، راهروها و دالان‌های منتهی به اندرون. در تصویر شماره ۴ می‌بینیم که استفاده از نشانه‌ها و نمادهای بیگانه در هر دو مسجد، چه در ساخت و چه در طراحی وجود ندارد و موجب تشابه بیش‌تر آنها شده است. البته این شاخص جزو بعد عبادی و برگرفته از اسلام است. در طراحی و ساخت دو مسجد هم نهایت تلاش شده است تا خوانایی مسجد، مشخص و متمایز باشد و به انتظاری که از مسجد در میان امت اسلامی وجود دارد، پاسخ داده شود.

با بررسی بیش‌تر در می‌یابیم که دو مسجد از لحاظ شکل ظاهری و ادراک مذهبی یعنی انتقال حس مذهبی، اشتراک‌هایی دارند؛ به‌عنوان مثال: ایجاد حریم بین اندرون و بیرون در تصاویر شماره ۵، ورودی‌های دو مسجد و فضای حائل بین اندرون و بیرون مشخص است این فضا، امکان تفکر و اندیشه و خودآگاهی را در افراد فراهم می‌آورد که در اسلام به آن بسیار تأکید شده است. تصاویر شماره ۶، به نحوی دیگر تشابه را به نمایش می‌گذارند. گلدسته‌های مرتفع و بلند در هر دو مکان، مسجد را محلی برای حضور همه می‌دانند و با ایجاد حس دعوت‌گری مردم را به سوی مسجد دعوت می‌کنند.



تصویر شماره ۴: دالان‌ها و طاق‌ها مسجد کبیر خارطوم (سمت چپ) و مسجد عتیق شیراز (سمت راست)؛ مأخذ: مسند و درمه، ۲۰۱۷ و Url5



تصویر شماره ۵: ایوان‌های مشابه مساجد کبیر خارطوم (سمت راست) و عتیق شیراز (سمت چپ)؛ مأخذ: مسند و درمه، ۲۰۱۷ و Url6



تصویر شماره ۶: گلدسته‌های دو مسجد کبیر (سمت چپ) و مسجد عتیق (سمت راست)؛ مأخذ: مسند و درمه، ۲۰۱۷ و Url7





تصویر شماره ۷: رنگ و نوع مصالح به کار برده شده در دو مسجد کبیر (سمت چپ) و مسجد عتیق (سمت راست)؛ مأخذ: مسند و درمه، ۲۰۱۷ و Url8

کماکان مانند مساجد گذشته رخ‌نمایی نمی‌کند و بیش‌تر شبیه مساجد معاصر است.

مسجد عتیق شیراز به نحوی از مرزهای نوآوری و ابتکار گذشته است. این مورد را هم در کالبد خارجی و یا بیرونی و هم در فضای داخلی که عبادی است، می‌توان مشاهده کرد. در واقع دگرگونی در مسجد عتیق هرچند متعلق به سال‌های متمادی است اما به نحوی صورت گرفته که با عنایت به انباشت سال‌ها بر نوآوری و بداعت آن افزوده شده است (هرچند اصالت اولیه خود را حفظ کرده و در دوران‌های دیگر پیرایه‌هایی بر این اصالت افزوده شده است)؛ نکته‌ای که در مسجد کبیر خارطوم شاهد آن نیستیم و همان سادگی خود را به پدک می‌کشد. به عبارت دیگر، اصالت مسجد عتیق حفظ شده و بر این اصالت با عنوان طراحی‌ها و پیرایه‌هایی در دوران‌های بعدی، به‌ویژه صفویان، افزوده شده است و اما در مسجد کبیر این مورد صادق نیست.

هم‌چنین از مشاهده طراحی و ساخت مسجد عتیق شیراز و مسجد کبیر خارطوم، نوگرایی دیده نمی‌شود. هیچ‌کدام از این دو مسجد جزو مساجد نوگرا نیستند و این وجه شباهت آنهاست. از لحاظ خوانایی نیز هر دو مسجد خوانایی بالایی دارند و از حجم‌های پیرامونی متمایز هستند. از نظر مردم‌قابلیت درک آنها بالاست و به راحتی برای مردم قابل ترجمه هستند و انتظارات آنها را به‌لحاظ معنویت و درونیت ارضا می‌نمایند.

مسجد عتیق شیراز در بازی نور، از نظر حجم نوآورانه و بدیع، سازگاری با محیط شهری، بر مسجد خارطوم برتری و تمایز دارد. هرچند در خوانایی، با رعایت عدم استفاده از نمادهای بیگانه و دعوت‌گری با همدیگر شباهت‌های فراوانی دارند.

به‌طور کلی، براساس نتایج به‌دست آمده معیارهای کالبدی دوگانه را در خصوص مسجد کبیر خارطوم و عتیق شیراز می‌توان ذکر کرد؛ شامل: معیار «تعیین‌کننده‌های فضای عبادی» و «تعیین‌کننده‌های مبتنی بر تشخیص شهری». در این میان چیزی که باعث پیوند این دو دسته از شاخص‌ها می‌شود، عنصر اسلامیست است که در هر دو طراحی بنا مشترک است؛ به‌ویژه در معیارهای معنایی فضای عبادی مانند وحدت‌گرایی، سیر از ظاهر

در تصاویر شماره ۶، مشخص است که در شاخص نوآوری و ابتکار، دو مسجد تفاوت‌هایی دارند. در مسجد عتیق، خلاقیت رنگی، لذت‌بصری، نوآفرینی در طراحی و ظرافت‌کاری، تنوع‌بخشی و نقش‌افزینی به وضوح قابل مشاهده است. اما در مسجد کبیر خارطوم، بیش‌تر هم‌نوایی با محیط و سادگی مد نظر است. چنان‌چه در تصاویر شماره ۷ نیز کاملاً مشهود است.

بنا به گفته افرادی نظیر مسند و درمه، و نیز عصمت و امین، مساجد اسلامی در انتقال حس مذهبی مشترک هستند. چیزی که مایه افتراق آنهاست، عوامل بومی محلی افزوده شده به پیکره و کاربرد آنهاست. زمانی که به شاخص‌های بومی و محلی نزدیک می‌شویم، افتراق بارزتر می‌شود (مسند و درمه، ۲۰۱۷: ۳؛ عصمت، ۲۰۱۴: ۸؛ اللمین، ۲۰۱۵: ۲۱). به‌عنوان مثال رنگ‌ها و تزیینات به کار برده شده و یا نوع نگهداری و اهمیت با همدیگر متفاوت هستند.

تصاویر شماره ۷ نشان می‌دهند که دو مسجد در ارزش‌گذاری فضاها نیز متمایز هستند. شکل‌ها، هندسه‌ها و صورت‌ها با همدیگر متفاوت است. در مسجد عتیق تشخیص اشیا و به‌ویژه نور به میزان زیادی، دارای اهمیت است که با منافذ نوری مانند پنجره‌های بزرگ طراحی شده است. اما منافذ نوری در مسجد کبیر خارطوم بسیار کوچک‌تر هستند. اگر بیش‌تر دقیق شویم، دو مسجد در گل‌دسته‌ها و نوع معماری آنها تفاوت عمده‌ای دارند بسیاری از پژوهشگران بر این مدعا صحه می‌گذارند (ابراهیم، ۲۰۰۹: ۴؛ ابوسلیم، ۱۹۹۱: ۱۶؛ خضر، ۲۰۱۶: ۸؛ محمدیه، ۲۰۰۷: ۱۱ و صالح، ۲۰۰۶: ۳)

نتیجه‌گیری

هرچند پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تأثیر آنها بر ساخت و طراحی مساجد اجتناب‌ناپذیر است، اما تغییرات شکل و کالبد، بیش‌تر و به‌ویژه در مساجد بر محور دو بُعد تشخیص شهری و عبادی می‌چرخد. با عنایت به نتایج این پژوهش در می‌یابیم که مسجد عتیق شیراز نسبت به مساجد سنتی و گذشته، دارای شکلی متفاوت است و معماری و انتخاب رنگ‌ها و کاشی‌ها در فرم، میزان حضور نور در فضا و... نشانگر متفاوت بودن آن است. اما مسجد کبیر خارطوم میل به سنتی بودن خود را حفظ نکرده و

این دو مسجد با همدیگر افتراق معناداری دارند. به عنوان مثال رنگ‌ها و تزیینات به کار برده شده و یا نوع نگه‌داری و اهمیت تفاوت دارند. هم‌چنین، در گل‌دسته‌ها و نوع معماری آنها نیز می‌توان این تفاوت را یافت.

نتایج به‌دست آمده، نشان می‌دهد که در بعد فضای عبادی، بین دو مسجد تشابه وجود دارد. نتایج و نیز مبنای نظری مبین این نکته مهم هستند که شاخص‌های به‌دست آمده می‌توانند مبنایی برای الگوهای مساجد اسلامی در دو بعد ایرانی و عربی باشند.

جدول شماره ۲، شاخص‌ها و عوامل کاربردی (تشابه و افتراق) را براساس دیدگاه حکمت اسلامی نشان می‌دهد. براساس این جدول، در بعد تشخص شهری و دو شاخص کالبدی از بعد فضای عبادی (عدالت و اهمیت قبله)، دو مسجد با همدیگر افتراق دارند و در شاخص‌های بعد فضای عبادی دارای تشابه هستند.

به باطن و سیر در انفس. در کل، با عنایت به تفاوت تاریخی در شکل‌گیری دو نوع مسجد (شیراز و خارطوم)، هر دو در برخی از عوامل کالبدی طراحی مشترک هستند که می‌تواند مبنای بسیار مناسبی برای ترویج معیارهای مساجد اسلامی باشند؛ مانند معیارهای بعد فضای عبادی نظیر: عدالت در ارزش‌گذاری، اهمیت توجه به قبله، اتصال صفوف و عدم تشخص بازشوها. براین اساس، چهره دو مسجد با همدیگر هم در ساختار و اجزا و هم در پلان تشابه‌های فراوانی دارد. مثلاً اختصاص بخش عمده‌ای به ایوان و حیاط، ستون‌های متعدد و مشابه، راهروها و دالان‌های منتهی به اندرون از نظر شکل ظاهری و ادراک مذهبی یعنی انتقال حس مذهبی، اشتراکات خاصی دارند. چیزی که مایه افتراق آنهاست، عوامل تشخص شهری افزوده شده به پیکره و کاربرد آنهاست. از این‌رو، زمانی که به شاخص‌های تشخص شهری نزدیک می‌شویم

جدول شماره ۲: شاخص‌های احصا شده براساس دیدگاه حکمت اسلامی

افتراق	مستند تاریخی (بعد افتراقی)		تشابه	مستند دینی (بعد تشابه مساجد عربی و ایرانی) شاخص‌های مساجد اسلامی	اصول معماری مسجد از دیدگاه حکمت اسلامی	
	کبیر شاخص‌های مسجد عربی اسلامی	عتیق شاخص‌های مسجد ایرانی اسلامی			کالبدی	بعد تشخص شهری
✓	مسلمانان و استعمارگران	مسلمانان		آبادکننده مسجد ایمان به خدا داشته باشد		
✓	خارج از بازار	در قلب بازار		قرارگیری در کنار فضای کار و زندگی	جایگاه	
✓	خارج از بافت شهری	در بافت شهری		سفارش معصومان	شاخص بودن	
✓	سادگی در تمام دوران‌ها تا دوران معاصر	نوآوری در طراحی‌هایی که در دوران‌های بعدی انجام شده با حفظ اصالت آن		بازتاب صفات الهی	نوآوری	
✓	یک کل مجزا از بافت	وجود گنبد و مناره		ضرورت خوانایی	خوانایی	
✓	منحصر به فرد نیستند	منحصر بفرد هستند		دیوار هموار و صاف	نشانه‌های فرهنگ بیگانه	
✓	مناسبت‌ها	در همه زمان‌ها		توصیه‌های معصومان	عدالت اجتماعی	معنایی
✓	تحقق نمی‌یابد	حریم قابل رؤیت		اصالت معرفت نفس	ایجاد حریم	
✓	مناره‌های چهارگانه	مناره‌های زوجی		ضرورت تبلیغ اسلام	دعوت‌گری	
✓	معماری ساده	فرم‌ها و هندسه‌ها		هر چیزی در جای خود قرار گیرد	عدالت	کالبدی
✓	تغییرات در نهایت سادگی	تعبیرات خاص معماری		سنت رسول خدا (ص) رو به قبله نشستن	اهمیت قبله	
	دارای شبستان	دارای شبستان	✓	ضرورت اتصال صفوف	اتصال صفوف	
	شکل شبستان‌ها	شکل شبستان‌ها	✓	حضور قلب و تمرکز حواس	نور در فضای داخلی	
	ساخت هندسی	ساخت هندسی	✓	اصالت معرفت نفس و تفکر	سیر در انفس	
	فضای سر در ورودی	فضای گنبدخانه	✓	اصالت معراج	سیر از ظاهر به باطن	
	القای حس وحدت	القای حس وحدت	✓	اصل توحید	وحدت	معنایی

- 1- Context
- 2- Ringer
- 3- Bonine
- 4- Marcus
- 5- Jayyusi and ET. al
- 6- Bianca

فهرست منابع و مراجع

۱۹. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵)، **بازار شهرهای ایران**، چاپ اول، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۲۰. شیخ صدوق (۱۳۶۷) **من لا یحضره الفقیه**، مترجم: علی اکبر غفاری، جلد اول، انتشارات صدوق، تهران.
۲۱. الصادق، صلاح عمر (۲۰۰۶)، **دراسات سودانية فی الآثار و الفلکلور و التاريخ**، دارعزه للنشر والتوزیع، الخرطوم.
۲۲. صالح، الطیب (۲۰۰۶)، **بندر شاه- ضوالبیت**، دارالعودة للنشر، بیروت.
۲۳. الطیب، محمد الطیب (۲۰۰۵)، **المسید**، دار عزه للنشر و التوزیع، الخرطوم.
۲۴. عصمت، محمد (۲۰۱۴)، **الساعة**، مرکز البحری، الخرطوم.
۲۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۶۶)، **روضه الواعظین**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران.
۲۶. گدار، آندره و دیگران (۱۳۷۵)، **آثار ایران**، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، چاپ سوم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۲۷. اللمین، محمد (۲۰۱۵)، **السبت الساعة**، مرکز البحری، الخرطوم.
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (بی تا)، **بحار الانوار**، جلد ۸۳، کتابخانه مسجد حضرت ولیعصر ع، تهران.
۲۹. محمدیه، احمد سعید (۲۰۰۷)، **الطیب صالح عبقری الروایه العربیه**، دارالعودة للنشر، الطبعة الخامسة، بیروت.
۳۰. مددپور، محمد (۱۳۷۷)، **حکمت معنوی و ساحت هنر**، انتشارات حوزه هنری، تهران.
۳۱. مسند، تقیه عوض عبدالعزیز و درمه، عمر محمد الحسن (۲۰۱۷)، «جمالیه تکوین الوحدات الزخرفیه الاسلامیه فی عماره مساجد الخرطوم»، **مجله العلوم الانسانی**، الخرطوم.
۳۲. معتضد، خسرو (۱۳۶۶)، **حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران**، انتشارات جاززاده، تهران.
۳۳. مفید، محمد بن محمد (بی تا)، **الارشاد**، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ج دوم، انتشارات اسلامی، تهران.
۳۴. مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۳)، «حکمت معماری اسلامی»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۱۹.
۳۵. نصر، سید حسین (۱۳۷۳)، «سنت اسلامی در معماری ایرانی»، **مجموعه مقالات جاودانگی و هنر**، ترجمه سید محمد آوینی، نشر بزرگ، تهران.
۳۶. نصر، سید حسین (۱۳۸۹)، **هنر و معنویت اسلامی**، ترجمه رحیم قاسمیان، انتشارات حکمت، تهران.
۳۷. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۷۸)، «معماری مسجد از مفهوم تا کالبد، از گذشته تا آینده»، **مجموعه مقالات همایش معماری مسجد - گذشته، حال، آینده**، ج دوم، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
۳۸. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری**، شرکت طرح و نشر پیام سیما، تهران.
۳۹. ویر، ماکس (۱۳۷۵)، **شهر در گذر زمان**، ترجمه شیوا کاونانی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
40. Amin, Mohammad Mostafa (2013), **Religious Tourism in Egypt: A Case Study Analysis**, the American University in Cairo, School of Global Affairs and Public Policy. Department of Public Policy and Administration.
41. Bianca, S. (2000), **Urban Form in the Arab World: past and present**. Zurich, Vdf. p. 12.
42. Daneshmir, Reza & Spiridonoff, Catherine (2008-2012), **Vali-e Asr Mosque, Fluid Motion Architects**, <http://www.fma-co.com/assets/flash/home.html> (Accessed in 2012-05-29).

۱. **قرآن کریم**.
۲. ابراهیم، آصف (۲۰۰۹)، «من الجنوب الى الشمال عالم صغير يتحول الى حكاية أمه»، **الجوف- المملكة العربیه السعودیه، مجله الجوبه**، العدد ۱۳.
۳. أبوسلیم، محمد ابراهیم (۱۹۹۱)، **تاریخ الخرطوم**، الطبعة الثالثة، دارالجليل، بیروت.
۴. احمد، صلاح محمد (۲۰۰۴)، **الجالیه اليهودیه فی السودان**، مرکز الراصد للدراسات، الخرطوم.
۵. بحرینی، سیدحسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷)، «مدل ارزیابی کیفیت محیط‌زیست شهری»، **مجله محیط‌شناسی**، دوره بیست و چهارم، شماره ۲۱.
۶. براندفری، هیلدر (۱۳۸۳)، **طراحی شهری به سوی یک شکل پایدارتر شهری**، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۷. بهشتی، سید محمد (۱۳۸۹)، **مسجد ایرانی، مکان معراج مؤمنین**، نشر روزنه، تهران.
۸. بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰)، «از خلع ماده تا درک ملکوت؛ ظهور باطن به دست معماران سنتی»، **مصاحبه توسط حورا نژاد صدقات، ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت**، شماره ۶۹.
۹. پوپ، آرتور (۱۳۷۰)، **معماری ایران**، مترجم غلامحسین همدی افشار، چاپ دوم، انتشارات فرهنگیان، تهران.
۱۰. پوراحمد، احمد و موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، **فصلنامه علمی پژوهشی شهر ایرانی- اسلامی**، سال اول، شماره دوم.
۱۱. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۴)، **معماری اسلامی ایران**، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۲. جوادی، آسید (۱۳۶۳)، **معماری ایرانی**، چاپ اول، انتشارات مجرد، تهران.
۱۳. حجت، مهدی (۱۳۸۶)، «سنت در معماری: هم اصیل، هم به روز»، **مصاحبه توسط نرگس مروجی، فصلنامه آبادی**، شماره ۵۴.
۱۴. حسین مردی، حمید و مروجی، نرگس (۱۳۸۶)، «نگاهی به مساجد معاصر جهان»، **فصلنامه آبادی**، شماره ۵۴.
۱۵. حسینی، سید بهشید (۱۳۸۶)، «معمار، معبد، مؤمن؛ مثلث قاعده در کشف هرم حقیقت دینی»، **فصلنامه آبادی**، شماره ۵۴.
۱۶. حمزه‌نژاد، مهدی و عربی، مائده (۱۳۹۳)، «بررسی اصالت اسلامی ایرانی در مساجد نوگرایی معاصر؛ مطالعه موردی: طرح مسجد چهارراه ولی عصر (عج) تهران»، **فصلنامه علمی پژوهشی شهر ایرانی- اسلامی**، سال چهارم، شماره ۱۵.
۱۷. خضر، الشفیع (۲۰۱۶)، **القبیله والسیاسه فی السودان**، مرکز الراكوبه، الخرطوم.
۱۸. رفیعیان، محسن؛ مویلی، محمد؛ سلمانی، حسن و توانگر، لیلیا (۱۳۹۱)، «ارزیابی احساس امنیت شهروندان با رویکرد منظر شهری (نمونه موردی محله اوین)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۷.

43. Dubisch, J. (1995), **Pilgrimage, Gender, and Politics at a Greek Island Shrine in a Different Place**, Princeton University Press, New York.
44. Evans, G. (1998), **Mementos to take home: The ancient trade in souvenirs**, in: J.Fladmark (Ed.) *In Search of Heritage: As Pilgrim or Tourist?* (Dorset: Donhead Publishing).
45. Hakim, B. S. (1986), "the Islamic City and its Architecture: a review essay", **TWPR (Third World Planning Review)**, 12(1): 75-89.
46. McCrea, Rod; Tung-Kai, Shy & Robert, Stimson (2004), "Modelling Urban Quality of Life in South East Queensland by linking subjective and objective indicators", **28th Australian and New Zealand regional Science Association International annual Conference**, Wollongong, NSW, 28thSeptember to 1 October.
47. Raymond, A. (1994), "Islamic City, Arab City: orientalist Myths and Recent Views", **JSTOR**. 21: 3-21.
48. Ringer, Fritz K. (2004), **Max Weber: An Intellectual Biography**, University of Chicago Press.
49. Saleh, M. A. E. (1998), "the impact of Islamic and Customary Laws on Urban Form Development in South-Western Saudi Arabia", **Habitat international**, 22(4).
50. Suleiman, Jafar Subhi Hardan & Mohamed, Badaruddin (2011), "Factors Impact on Religious Tourism Market: The Case of the Palestinian Territories", **International Journal of Business and Management**, Vol. 6, No 7.
51. **Url1**: www.jesarat.com/shraz-mosque
52. **Url2**: www.pcparsi.com/20159
53. **Url3**: www.harame3.ir/fa/2016/08
54. **Url4**: filebekrrozblog.com/post/595
55. **Url5**: www.tebyan.net/newindex.aspx
56. **Url6**: kashkoolemantoma.blogfa.com/post/391
57. **Url7**: www.citypedia.ir

A Comparative Study of Arab-Islamic Mosques with Iranian-Islamic Mosques (Case Study: Khartoum High Mosque and Atiqh Mosque of Shiraz)

Ali Ahmadian Kisoumi

Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Tehran Branch, Iran

Nahideh Gandomi kal * (Corresponding Author)

Assistant Prof., Faculty Member of Islamic Azad University, Tehran Branch

* *nahid_nj@yahoo.com*

Hamid Ayati

Faculty Member of Institute for Culture, Art & Architecture Studies, ACECR, Tehran, Iran

Kambiz Molaei

Director of the Special Services Center for the Assessment of the Social and Cultural Impact,
Institute for Culture, Art & Architecture Studies, ACECR, Tehran, Iran

Mohamadreza Bozorgi

Ph.D. Student of Sociology of Economics and Development, Islamic Azad University, Tehran Branch, Iran

Abstract:

Buildings and religious sites, especially mosques in Islamic cities like Khartoum and Shiraz, have similarities and differences. The historical past of these two cities shows that in the context of spatial and temporal (from the nineteenth century to the present), due to the domination of the colonialism of the mosque, the great mosque has broken its traditional features. In the continent of Africa, especially in Sudan, with the domination of colonialism and French, Russian and English imperialism, there has been profound and profound changes in the culture of urbanism and the indigenous nature of the building and Arab-Islamic places. But Iranian-Islamic mosques, especially the Atiqh Mosque, have not experienced such a past. In addition to the differences that indicate the dimension of urban identity, the similarities between the two mosques are evident with an emphasis on the dimension of worship. The purpose of this article is to investigate and identify the indices of the differentiation and similarity of the high Khartoum and Atiqh mosques in Shiraz. The method of research in this article is based on the rational reasoning (concept to the case). For this purpose, at first, the theoretical bases of the mosque in two dimensions of worship and urban isolation have been investigated, then the characteristics of each mosque in two cities of Khartoum and Shiraz have been investigated and, finally, their differences and their similarities have been identified. The results show that there is a high similarity in terms of dimensions of worship, such as unity, interconnection, and justice in the valuation of spaces. The results, as well as the theoretical foundations, indicate that the indexes can serve as a basis for the sharing of Islamic mosques in both Iranian and Arabic dimensions, as well as in terms of urban identity, two mosques have a significant differentiation.

Keywords: Iranian-Islamic mosques, Arabic-Islamic mosques, Great mosque, Atiqh mosque, Khartoum, Shiraz.